

موانع گفتگوی مذهبی در ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۳/۱۰

سیدجواد میرخلیلی^۱

چکیده

در عصر حاضر و با ظهور گروه‌های تکفیری در جهان اسلام، ضرورت تفاهم و تقریب مذاهب اسلامی، به خصوص شیعه و سنی بیشتر نمایان شده است. علت این مسئله را می‌توان در تفرقه و تشتت‌های به وجود آمده توسط کشورهای استعمارگر دانست؛ که باعث در انزوا قرار گرفتن مسلمانان خواهد شد. مشکلی که نوشتار حاضر در پی پرداختن به آن است، چرایی ضرورت و موانع وحدت و گفتگوی مذاهب است. با پرداختن به آن‌ها، می‌توان راهبردهایی را استخراج کرد که وحدت و گفتگو به صورت عملی و تحلیلی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: راهبردها، ضرورت، گفتگو، مذاهب، موانع، وحدت.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی

مقدمه

امروزه وحدت اسلامی و اتحاد بین مسلمانان؛ به خصوص شیعه و سنی، از جمله اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین موضوعات در میان اندیشوران جهان اسلام به شمار می‌رود. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبران جهان اسلام، آن را به مثابه یک مسئله استراتژیک معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر (ص) دعوت نموده‌اند. لذا، وحدت و اتحاد بین مسلمانان و پرهیز آنان از اختلاف و تفرقه، زمینه‌ای مساعد برای ایستادگی جمعی در برابر زورگویی‌های نظام سلطه و دفاع از منافع و حقوق جهان اسلام به شمار می‌رود.

نوشتار حاضر بر آن است که بحث وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ارتباط محکم و وثیقی با انقلاب اسلامی ایران و نظام اسلامی دارد؛ و آن را موضوعی قلمداد می‌کند که می‌تواند برای نظام اسلامی یک فرصت باشد. وقوع انقلاب اسلامی ایران موجب شد تا تشیع که تا پیش از پیروزی انقلاب، کمتر مورد توجه بود، اکنون هویت جهانی پیدا کند. از این‌روست که مشاهده می‌شود کشورهای غربی که گسترش تفکر سیاسی اسلام در بین مسلمانان را به منزله طلوع دوباره تمدن اسلامی و افول سلطه استعماری غرب بر جهان اسلام می‌دانند، به شدت احساس خطر کرده و به دنبال تفرقه‌افکنی بین مسلمانان؛ از جمله شیعه و سنی هستند. بنابراین، راهبرد اتخاذی از سوی بزرگان شیعه و سنی می‌بایست بر مبنای تقریب مذاهب اسلامی باشد تا تمام مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، امت واحده در برابر دشمنان اسلام شوند.

مفهوم‌شناسی وحدت

وحدت در لغت عبارت است از یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراک گروهی از افراد و اشخاص در یک مرام و مقصد (دهخدا، ۱۳۶۰/۹). به عبارت دیگر، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه‌ای واحد به شمار می‌روند، را می‌توان وحدت نام‌گذاری کرد. همچنین در کتاب لسان العرب الوحده فی المعنی التوحد؛ وحدت در معنا، یعنی یکی شدن. به عبارتی، اتحاد عبارت است از یکی شدن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی، یک‌جهتی و هماهنگی. همچنین

آمده است: صیوره الشیئین الموجودین شیئاً واحداً؛ دو چیز موجود به یک چیز تبدیل گردد (لسان العرب، ۳/۴۴۶).

وحدت در اصطلاح به معنی انفراد است. توضیح، آنکه واحد در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد. بنابراین، آن در هر موجود به کار می‌رود. چون واحد وصف خدا آید، معنایش این می‌شود که: او کسی است که تجزی و تکتز در آن راه ندارد (قاموس قرآن، ۱۸۷/۷). نیز گفته‌اند منظور از «وحدت انسان‌ها»، توحید اعتقادی و دینی و کنار گذاشتن اختلافات فکری و اعتقادی و سلیقه میان آن‌ها نیست، بلکه مراد از وحدت، این است که با حفظ این اختلافات، نسبت به هم همدلی پیدا کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. به سبب اختلافی است که در این معنای مصطلح به وجود آمده و برخی وحدت را به معنای کنار گذاشتن اصول و حتی اختلاف فکری و اعتقادی بنیادین همدیگر دانسته‌اند (کتاب العین، ۳/۲۸۰).

وحدت اسلامی

از مفاهیمی که اشاره بدان در بحث از ضرورت و موانع وحدت، لازم به نظر می‌رسد، مفهوم وحدت اسلامی است. وحدت اسلامی، یعنی اینکه مذاهب و گروه‌های مسلمان، یکدیگر را به طور صحیح شناخته و از مواضع فکری و اعتقادی متقابل به صورت آگاهانه مطلع شوند و در راستای حفظ و گسترش کیان و آموزه‌های اسلامی از نزاعی که قرآن کریم از آن نهی نموده است، دوری کنند. همچنین برای دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم و اصول ثابت و مشترک اسلامی در برابر دشمنان مسلمانان، امتی متحد، تشکیل دهند.

مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته، و مفترقات همه آن‌ها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ (مطهری، ۲). بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت

اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان (همان، ۳). از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. هم‌چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین، بحث و استدلال نکنند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظرایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میان شان پیدا نشود، یا شعله‌ور نگردد، متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سبّ و شتم نمایند، به یکدیگر تهمت زنند و دروغ نیندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره، عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و در حقیقت، لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند (همان، ۶-۷).

اتحاد اسلامی

از دیگر مفاهیم عمده در این بحث می‌توان به مفهوم اتحاد اسلامی اشاره کرد. مراد از اتحاد اسلامی و اخوت اسلامی که قرآن نیز بر آن تأکید دارد: «أما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات، ۱۰). در حقیقت، التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است و در عصر پیامبر (ص) مورد قبول همه بوده است. این آیه شریفه اشاره به این مهم دارد که همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی، تلاش و کوشش می‌کنید، باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح و اتحاد، به طور جدی و قاطع وارد عمل شوید. همه مؤمنان برادر یکدیگرند، و نزاع و درگیری میان آنها را درگیری میان برادران نامیده، که باید به زودی جای خود را به صلح و صفا بدهد (مکارم شیرازی، ۱۷۷/۲۲). بر این اساس می‌توان ادعا کرد که همین مشترکات است که معیار اخوت اسلامی به شمار می‌رود. در واقع، هدف آن است که مسلمانان بر اساس اصول مشترک اسلامی در ابعاد مختلف عقیدتی، فقهی و اخلاقی خود را امت واحد بدانند و در سرنوشت یکدیگر سهیم باشند. مقصود از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی،

یکی کردن همه مذاهب نیست. تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات رفت و باید دانشمندان هر مذهبی در گفت‌وگوی علمی خود، دانش خود را مبادله کنند، تا در یک محیط آرام بدانند، بشناسند، بگویند و نتیجه بگیرند.

وحدت شیعه و سنی

بعد از اشاره و پرداختن به مفاهیم مرتبط با بحث، اینک می‌بایست مراد از وحدت شیعه و سنی را تبیین کرد که در مفهوم قبلی نیز اندک اشارتی بدان شد. منظور از وحدت شیعه و سنی، کنار گذاشتن مسائل اختلافی و تکیه بر مشترکات و مینا قرار دادن آن‌ها در تعامل با یکدیگر و در مسائل مربوط به جهان اسلام و صحنه بین‌المللی است. به گونه‌ای که مسلمانان فارغ از اختلافات و با پرهیز از تفرقه در مسائل جهان اسلام، به صورت هم‌سو و هم‌جهت حرکت کنند. به عبارت دیگر، اختلافات نباید مانع از اخوت اسلامی و وحدت صفوف مسلمین شود (جعفریان، ۱۳۴). بنابراین، می‌توان این گونه بیان کرد که معنای اتحاد شیعه و سنی، دست برداشتن و کوتاه آمدن از اصول و اعتقادات مذهب خویش نیست، بلکه در عین وجود اختلافات، زمینه تعامل و جهت‌گیری یکسان در مسائل کلی و بین‌المللی در میان آن‌ها وجود دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. منظور از وحدت، یکپارچگی و همزیستی مسالمت‌آمیز است. به تعبیر دیگر، اختلاف در بعضی از اعتقادات و احکام و اختلاف منابع، که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، نباید موجب جدایی و دوری قلب‌های مسلمانان از یکدیگر شود، بلکه باید همه فرقه‌های اسلامی با کمال شرح صدر و وسعت نظر، عقاید و افکار یکدیگر را درک و تحمل نمایند و در عین حال که در صحنه کاوش و تحقیق و بحث و استدلال در فضای علمی تلاش می‌کنند، در عرصه زندگی اجتماعی و تعامل با توجه به مصالح مسلمین، با سماحت، یکدیگر را درک و به عناصر مهم تشکیل‌دهنده وحدت توجه و در راه تحقق آن بکوشند (سبزیان، ۳۹). بنابراین، مراد از وحدت، برداشتن موانع و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مسلمانان می‌گردد. از طرفی، دست دشمنان اسلام بر آنان دراز می‌شود

و از طرف دیگر در درون خود گرفتار می‌شوند و از حرکت و پیشرفت و رفع فقر و جهل و حل مشکلات جامعه باز می‌مانند و به خود مشغول می‌شوند، عقل دینی و خرد جمعی حکم می‌کند که، حفظ آرمان‌های اصلی، مهم‌تر از منازعات و دعوای‌های بخشی‌نگر است (شهیدی، ۶۳).

ضرورت وحدت و گفتگو

با توجه به آنچه در ایضاح مفهومی و پرداختن به مفاهیم عمده در این بحث بدان اشاره شد، وحدت میان مسلمانان که زمینه‌ساز متقابل گفتگو می‌باشد، ضروری به نظر می‌رسد. جوامع امروزی چند مذهبی، چند ملیتی و چند فرهنگی، بدون گفتگو و همکاری مشترک قادر نیستند تا مایه خیر و برکت برای انسان‌ها و اجتماعات باشد. ضروری است گفتگو به عنوان برکتی از جانب خداوند، محور زندگی و فعالیت همه ادیان و مذاهب مختلف قرار گیرد. آنچه به زندگی روزمره انسان‌ها و در فعالیت و روابط آن‌ها قوت‌بخش و باعث استحکام و ماندگاری و تعامل دوجانبه و چندجانبه آن‌هاست، گفتگوست.

گفتگو، محور شناخت

در ضرورت و اهمیت گفتگو بین مذاهب می‌توان گفت با گفتگوست که شیعه و سنی به این درک مشترک می‌رسند که آن‌ها نه تنها خدای واحد و یگانه را می‌پرستند، قرآن و پیامبر مشترک دارند، بلکه دارای نقاط مشترکی هستند که به جای دور کردن و تفرقه بین آن‌ها موجب نزدیکی بین آن‌ها می‌شود. در حقیقت، پیروان مذاهب مختلف به طور عام، و شیعه و سنی به طور خاص، به تبعیت از اصل مهم و ضروری گفتگو، اقدام به برگزاری گردهمایی‌ها، دیدارها و کلاس‌های درس و مطالعات می‌کنند تا به شناخت بهتر از یکدیگر نائل شوند و بر اساس این شناخت بر ارزش‌های معنوی مشترک تأکید کنند.

علاج اصلی، برای امروز دنیای اسلام، «اتحاد» است؛ علما و روشنفکران اسلام می‌بایست منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا آدم کج‌فهم متعصب به فرقه‌های اسلامی، نتواند آزادانه، جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند (بیانات رهبری، ۸۶/۱۷).

موانع وحدت و گفتگو

بحث از موانع وحدت و گفتگوی مذهبی، همواره از مهم‌ترین محورهای بحث میان شیعه و سنی بوده است؛ به گونه‌ای که بزرگان هر دو مذهب، شناسایی این موانع را پایه‌گذار مراحل بعدی و در نهایت، ایجاد گفتگو بین دو مذهب قلمداد می‌کردند.

اختلاف و تفرقه میان مسلمین

از اصلی‌ترین موانع وحدت و گفتگو که این نوشتار هم بیشتر بر آن تأکید دارد، اختلاف و تفرقه میان مسلمانان است که مانع وحدت بین آن‌ها شده و یا هست. یکی از فعالان برجسته عرصه و گفتگوی مذاهب معتقد است اگر همه مسلمانان؛ اعم از شیعه و سنی بر این نکته مهم واقف شوند که این امت در جهانی به سر می‌برد که تحت سلطه استکبار جهانی بوده و به راحتی تن به اختلافات جزئی نخواهند داد و بر سر مشترکات، به گفتگو خواهند پرداخت (ادریس هانی).

بحث اختلاف و تفرقه بین مذاهب اسلامی، نه برای امروز، بلکه از دوران‌های پیشین نیز در میان امت اسلامی و در میان مذاهب اسلامی وجود داشته و مانع از گفتگوی مذهبی بین آن‌ها بوده است؛ برخی بر آن بودند که این مشکل را به گونه‌ای حل کنند. چنان که برای نمونه علامه محمد حسین کاشف‌الغطاء، که به حق یکی از منادیان اصلی وحدت و گفتگوی بین مذاهب بود، با نگارش کتاب‌هایی چون الدین و الاسلام، المراجعات و مقالاتی چون جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی و مقاله الاجتهاد فی الشریعه در مجله رساله الاسلام، نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت میان مسلمین؛ اعم از شیعه و سنی ایفا کرد.

کاشف الغطاء در مقدمه‌ای که برای کتاب اصل الشیعه و اصولها نوشته، به ضرورت وحدت اشاره کرده است. وی در این مقدمه، ضمن تبیین اهمیت وحدت و ضرورت آن در نگاه عقلای جهان، به تلاش مصلحانی که پیش از وی منادی وحدت بودند، نیز اشاره و از تلاش‌های آن‌ها تجلیل کرده است. به باور کاشف‌الغطاء «امروز، بیماری خطرناک مسلمانان، پراکندگی و عدم انسجام آن‌هاست و تنها داروی حیات‌بخش برای آن‌ها و همین‌طور برای گذشتگان، اتحاد و

اتفاق و همکاری با یکدیگر و به دور افکندن تمام عوامل عداوت و کینه و دشمنی بوده و خواهد بود» (کاشف الغطاء، آیین ما، ۴۲-۴۱).

وی همواره خواهان کنار گذاشتن اختلافات و تفرقه از سوی مسلمانان و متحد شدن آنها در برابر دشمنان بود تا بدین وسیله دشمنان نتوانند از اختلاف میان مسلمین سوء استفاده کرده و به دین اسلام ضربه بزنند. وی که همواره تأکید می‌کرد که اسلام بر دو پایه استوار است: کلمه توحید و توحید کلمه، به طرق مختلف، پیام‌های دعوت کننده به وحدت خویش را به مسلمانان یادآور می‌شد. در یکی از پیام‌های این مرجع شیعی وی هدف خود را از وحدت و تقریب میان مسلمانان، نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر و کنار گذاشتن اختلافات فقهی بیان می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۸۸). کاشف الغطاء با تبیین اتحاد و وحدت میان فرقه‌های اسلامی و میان مسلمانان، بر جدی گرفتن این مسئله از سوی مسلمین تأکید شدید داشت. تا آنجا که جنگ‌های صلیبی، حمله مغول‌ها به امپراطوری اسلامی و نفوذ استعمار نوین غربی در جهان اسلام را معلول فقدان اتحاد میان مسلمانان می‌دانست. در نتیجه، تلاش وی در دفاع از تشیع و شناساندن آن نیز به انگیزه از بین بردن و زدودن غبارهای سوء تفاهم میان دو مذهب بزرگ اسلامی و نزدیک‌تر ساختن آنها بود (رجبی، ۳۸۶). وی که دلسوزانه، قضیه وحدت و اتحاد اسلامی را میان مذاهب اسلامی و کشورهای اسلامی دنبال می‌نمود، با بیان این مطلب که اگر مسلمانان، همدست بودند، این همه ممالک بزرگ را از دست نمی‌دادند و هفت دولت بزرگ اسلامی در برابر ملتی کوچک شکست نمی‌خورد. اختلاف و جدال میان مسلمین را در شرایطی که دشمنان از هر سو مسلمانان را احاطه کرده‌اند، حرام می‌دانست و معتقد بود: بر تمام فرق اسلامی لازم است که جدال‌ها و اختلافات را کنار گذارند؛ چه اگر این عمل ذاتاً حرام نباشد، مسلماً در این زمان که دشمن از هر طرف، ما را احاطه کرده، حرام است (بی‌آزار شیرازی، ۹۰-۸۹).

نکته مهمی که در بحث از دیدگاه این منادی بزرگ گفتگوی مذهبی پرهیز ایشان و توجه وی به وحدت‌های صوری و تشریفاتی بود که مورد نکوهش و مذمت بود. چنان که ایشان به یکی از تجمعات برای ایجاد وحدت در شهر قدس با عنوان مؤتمر بزرگ اسلامی اشاره کرده و می‌نویسد: در آن روز، جمعی از بزرگان جوامع اسلامی برای بررسی مسائل مهم و حیاتی

مسلمین و مبادله مراتب دوستی و محبت، بدون توجه به اختلاف مناطق جغرافیایی و نژاد و ملیت و مذهب، در آنجا گرد آمده بودند. اجتماعی که در نوع خود، بی‌نظیر و چشم‌تمام مسلمانان به آن دوخته شده بود، ولی علی‌رغم این مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها که این بزرگان برای نیل به هدف مذکور و پاشیدن بذر اتحاد در افکار عمومی مسلمانان به امید این که روزی نهال برومندی گردد و همه از ثمرات لذت‌بخش آن، بهره‌مند شوند، هیچ ثمره‌ای عاید نشد (کاشف الغطاء، ۴۳-۴۲). علی‌رغم این همه رؤیاهای شیرین، تنها به سخن بسنده شد و هیچ قدم مثبت عملی و مفیدی برداشته نشد. تنها به ظواهر پرداختیم و از حقایق دور ماندیم. از هر چیز به پوست آن راضی شدیم و به مغز اهمیت ندادیم. به عکس نیاکان ما، همان مسلمانان فعال و پرجنبشی که قبل از آنکه بگویند، عمل نشان می‌دادند و پیش از آنکه حرف بزنند، تصمیم می‌گرفتند (همان، ۴۴).

همان طور که از سخنان کاشف‌الغطاء بر می‌آید، ایشان نسبت به وحدت‌های صوری و شکلی واکنش نشان می‌دهد و از همه مسلمانان می‌خواهد تا به وحدت عملی دست یابند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند. قرآن کریم هشدار شدیدی درباره اختلاف میان مسلمین داده و می‌فرماید: *إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ (انعام، ۱۵۹)* «ای پیامبر! کسانی که در دین خدا جدایی افکندند و به گروه‌های مختلف و متخاصم تبدیل شدند، هیچ رابطه‌ای با تو ندارند». یعنی راه و رسم آن‌ها به کلی از راه و رسم تو جداست، آیین تو آیین وحدت و برادری و اخوت و محبت است؛ نه آیین خشونت و اختلاف. و *وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا (روم، ۳۱ و ۳۳)* «از مشرکان نباشید همان‌ها که در دین خود جدایی افکندند و به گروه‌های مختلف و متخاصم مبدل شده‌اند»؛ یعنی اختلاف در میان مسلمین، همانند شرک به خداست.

راهبردهای وحدت و گفتگوی بین مذاهب:

در بحث از راهبردها پرسش اساسی و مهم این است که: اتخاذ چگونه موضعی از سوی ما، به عنوان افرادی که پیرو دین و یا مذهبی هستیم، نسبت به آنان که بر راه و روش دین و مذهب

دیگری هستند، شایسته است؟ بدیهی است که هر پاسخی به این پرسش در مقام نظری، سرنوشت موضع پیروان یک دین و مذهب را در نوع رفتار، اقدام و عمل تعیین خواهد نمود. با یک دسته‌بندی کلی از مباحث مختلف مطروحه در این باره و با استخراج نظرات بزرگان و متفکران ادیان و مذاهب مختلف، سه نوع پاسخ به پرسش فوق، قابل تصور است:

الف) تقابل؛ به مفهوم ردّ مطلق اندیشه دیگر و سپس ردّ قائلین به آن اندیشه، از رایج‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش است. در این شکل از تفکر، پیروان یک دین و مذهب (یا اصولاً یک اندیشه)، قوام و تثبیت اندیشه خود را منوط به حذف اندیشه‌های (نادرست) دیگر یا اندیشه‌های مزاحم یا رقیب می‌دانند، یا حداقل این حذف را در راستای تحکیم موضع خود، عملی مفید قلمداد کرده، آن را نشانی از وفاداری کامل به اندیشه خود قلمداد می‌کنند. در این موضع؛ یعنی موضع تقابل، آنچه مطرح است، کاستن از حجم گستره نظام فکری دیگر و افزودن به گستره خودی از هر طریق و شیوه ممکن است. در اینجا گفتگو با دیگری مطرح نیست، یا تنها در حدی موضوعیت می‌یابد که بتوان از آن به عنوان روشی در راستای کاستن و افزودن فوق سود برد. در نتیجه چنین تفکری، به پیروان دیگر ادیان به چشم دشمنان بالقوه‌ای خواهد نگریست که در صورت فعلیت، حذف فیزیکی خود وی را در پی خواهند داشت. این شیوه فکری، در آنجا به عملی خواهد انجامید که قائلین به آن، از دو دین یا فرقه گوناگون در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ب) تحمل؛ نیز پاسخی دیگر به جهان کثرت زده فکری بوده است. در این نگرش، نباید با متفکران مذهب رقیب، مقابله حذفی داشت؛ چرا که شرایط و یا قوانین حاکم اجتماعی چنین اقتضا می‌کند. برای ایجاد جامعه‌ای آرام و جهانی مورد پسندتر، برای ایجاد زمینه زندگی آرام و بی‌نزاع خودمان و به منظور عدم تحریک افکار عمومی، از حق مسلم خود مبنی بر حذف ایشان گذشت کرده، به تحمل ایشان تن در می‌دهیم و با اکراه برای ایشان، حق حیات و برخی حقوق شهروندی قائل می‌شویم. بدیهی است که این شیوه فکری، تقابل را نه تنها نمی‌کند، بلکه خود نیز اگر موانعی اجتماعی و سیاسی وجود نداشته باشد، به سطح آن فرو می‌گلتد.

ج) همزیستی میان پیروان اندیشه‌های گوناگون، سومین نوع پاسخ و واکنشی دیگر به پرسش مورد نظر است. در این دیدگاه، قائلین به اندیشه‌های گوناگون، اولاً نه تنها همجواری و همراهی و یگانگی را بر تقابل و رویارویی ترجیح می‌دهند، که آن را از نعمات و آیات الهی می‌بینند. ثانیاً این همراهی و همزیستی، نه از سر اجبار و اکراه یا تجمل اجتماعی، که از اعتقادی ژرف و اعتمادی قلبی بر می‌خیزد. به راهبردهای مهمی اشاره کرد که در بحث گفتگوی مذهبی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد؛ (۱) حضور در عبادات و شعائر مذهبی اجتماعی که در ذیل نماز جماعت، نماز جمعه و عیدین، تأکید بر فریضه حج، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، تحقق می‌پذیرفت؛ (۲) تأکید بر روابط اجتماعی و عاطفی و اخوت دینی در میان مسلمانان؛ (۳) مدارا و اخلاق مداری در برخورد با مخالفان که در این موارد صورت می‌گرفت؛ (۴) خوش‌خلقی و ملایمت؛ (۵) پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی؛ (۶) رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان؛ (۷) تأکید بر رعایت حقوق اجتماعی و مدنی (آقانوری، ۳۵).

نتیجه‌گیری

از جمله نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان به ارائه الگوی متقابل وحدت-گفتگو اشاره کرد. در این مدل، چنان که بدان اشاره شد، پرداختن به ضرورت وحدت و موانعی که مانع وحدت میان مذاهب اسلامی می‌شود، می‌تواند به عنوان پایه و اساس گفتگوی بین مذاهب مورد توجه قرار گیرد. اگر با احصای مشکلات و موانع موجود در میان راه وحدت میان امت اسلامی، به حل آن‌ها انجامیده شود، می‌توان به راهبرد گفتگو به مثابه یکی از محورهای اساسی برای وحدت میان شیعه و سنی نظر کرد؛ چنان که در دوره اخیر و از سوی بزرگان شیعه و سنی، محافل و مجالس این چنینی تشکیل شده و بر گفتگوی بین یکدیگر تأکید ورزیده و این را به عرصه عمل کشانده‌اند.

این عرصه چشم انتظار مطالعات و تحقیقات نظری بسیاری است که هر یک می‌تواند بخشی از آن را حل و فصل کند و به وحدت حقیقی و نه صوری میان مذاهب اسلامی منجر شود و از اختلافاتی که باعث چشمداشت دشمنان اسلام شود، جلوگیری گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقائوری، علی، (۱۳۸۷)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳. آل کاشف الغطاء، محمدحسین، (۱۳۷۵)، آئین ما، قم، انصاریان.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۱/۱۷.
۵. رجبی، محمدحسن، (۱۳۷۹)، علمای مجاهد، قم، مکتب اسلام.
۶. سبزیان، علی اکبر، (۱۳۸۶)، منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، قم، انتشارات خادم الرضا.
۷. قاموس قرآن، (۱۴۲۱ ق)، دمشق، دارالصادر.
۸. قانون اساسی، (۱۳۸۸)، گردآوری منصور جهانگیری، تهران، میزان.
۹. کاشف الغطاء، منادی وحدت، (۱۳۸۴)، گفتگو با عبدالکریم بی آزار شیرازی، قم، آوای بیداری.
۱۰. کتاب العین، (۱۳۸۸ ق)، بیروت، التراث.
۱۱. لسان العرب، (۱۴۰۹ ق)، مصر، دار الالحیاء.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، شش مقاله، تهران: صدرا.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، نمونه، قم، امیرالمومنین.